

به نام خدا

خشونت همسران و ابعاد دل‌بستگی

مؤلف:

رها شعبان زاده

انتشارات ارسطو

(چاپ و نشر ایران)

۱۴۰۱

سرشناسه: شعبانزاده، رها، ۱۳۵۹-
عنوان و نام پدیدآور: خشونت همسران و ابعاد دل‌بستگی /مؤلف رها شعبانزاده.
مشخصات نشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری: ۱۴۳ص: جدول.
شابک: ۵۸۰۰۰۰-۲-۸۸۵-۴۳۲-۶۰۰-۹۷۸:

وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۱۳-۱۴۳.
موضوع: زناشویی -- ایران -- خشونت -- نمونه پژوهی
Marital violence -- Iran -- Case studies
همسر آزاری -- ایران -- نمونه پژوهی
Spousal abuse -- Iran -- Case studies
زناشویی -- ایران -- ارتباط -- جنبه‌های روان‌شناسی -- نمونه پژوهی
Communication in marriage -- Iran -- Psychological aspects -- Case studies
زناشویی -- ایران -- اختلاف -- جنبه‌های روان‌شناسی -- نمونه پژوهی
Marital conflict -- Iran -- Psychological aspects -- Case studies
دل‌بستگی -- ایران -- نمونه پژوهی
Attachment behavior -- Iran -- Case studies
رده بندی کنگره: HQ۷۴۳
رده بندی دیویی: ۳۰۶/۸۱۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی: ۸۷۲۸۷۳
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: خشونت همسران و ابعاد دل‌بستگی
مؤلف: رها شعبانزاده
ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)
صفحه آرایی، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۱
چاپ: مدیران
قیمت: ۵۸۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان:
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۲-۸۸۵-۲-۲
تلفن مرکز بخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



انتشارات ارسطو



فهرست مطالب

فصل اول - مقدمه	۵
فصل دوم - خشونت همسران	۲۷
خشونت همسران	۲۸
تعریف خشونت همسران	۲۸
انواع خشونت	۳۱
شیوع خشونت همسران در جهان و ایران و عوامل جمعیت شناختی آن:	۳۵
شیوع خشونت همسران در ایران	۳۹
جمعیت‌شناسی خشونت همسران	۴۱
عوامل زمینه‌ساز بروز خشونت همسران (علت‌شناسی خشونت)، دلایل اهمیت این عوامل	۴۲
اهمیت شناسایی عوامل مؤثر بر خشونت همسران	۴۵
نظریه‌های مرتبط با خشونت همسران	۴۷
فصل سوم - دل‌بستگی	Error! Bookmark not defined.
رفتارهای دل‌بستگی	۶۱
مدل‌های کاری درونی	۶۴
انواع دل‌بستگی	۶۵

۶۸	سبک‌های دل‌بستگی سازمان یافته
۷۲	سبک دل‌بستگی بزرگسالان
۸۰	الگوهای شناختی، روان‌شناختی، رفتاری و ارتباطی در انواع دل‌بستگی
۸۳	نظریه دل‌بستگی و خشونت
۹۰	فصل چهارم - نتیجه‌گیری
۱۰۹	جمع بندی
۱۱۴	منابع

فصل اول

مقدمه

خانواده جایگاه امن و آرامی برای افراد و نیز محلی برای رشد و تربیت نسل‌های آینده است. گاهی این محیط بنا به دلایلی چون خشونت^۱ و رفتارهای ناپه‌نجار به یک محیط ناامن تبدیل می‌شود (سپاهی، ریسی و آذرکیش، ۱۳۹۴). از نظر پژوهش‌گران، خشونت در روابط صمیمانه و همسران^۲ یک مشکل سلامت عمومی تلقی می‌شود که پژوهش‌های گوناگون به بررسی پیش‌گیری از اثرات منفی آن بر سلامت افراد و جامعه تأکید می‌کنند (وان دانگ^۳، اوسترجن^۴، کرانتز^۵، ۲۰۰۹). خشونت خانگی به‌عنوان یکی از مسائل مهم بهداشت عمومی و حقوق بشر بوده و به معنای رفتار خشونت‌آمیز و سلطه‌گرانه یکی از افراد خانواده علیه عضو یا اعضای دیگر همان خانواده تعریف شده است (سازمان بهداشت جهانی^۶، ۲۰۱۶) و هم‌چنین مؤلفه‌های همسر آزاری، کودک آزاری و بدرفتاری نسبت به سالمند را در برمی‌گیرد. با اهمیت‌ترین نوع خشونت در خانواده خشونت است که توسط همسران نسبت به یک‌دیگر صورت می‌گیرد.

منظور از خشونت همسران، خشونت مرتکب شده توسط کسی است که با فرد رابطه‌ای صمیمی داشته یا دارد. خشونت همسران معمولاً به‌صورت الگویی از رفتارهای اجباری رخ می‌دهد که در آن اقدام‌کننده به خشونت، قدرت و کنترل خود را از طریق سوءاستفاده فیزیکی، سوءاستفاده روان‌شناختی، تجاوز

^۱ violence

^۲ Intimate Partner Violence

^۳ Vung dang

^۴ Ostergren

^۵ Krantz

^۶ World Health Organization

جنسی، انزوای اجتماعی، تهدید و دیگر تاکتیک‌ها حفظ می‌کند (مک کلگان^۱، دمپسی^۲، دیویس^۳ و جیاردینو^۴، ۲۰۱۰).

یکی از پارادایم‌هایی که برای تبیین خشونت همسران به کار می‌رود تئوری دل‌بستگی است (دانتون^۵، ساندرز^۶، استارزومسکی^۷، بارتولومئو^۸، ۱۹۹۴؛ وایت^۹، مک مالین^{۱۰}، سوارتوت^{۱۱}، سچریست^{۱۲}، گولهون^{۱۳}، ۲۰۰۸). سبک دل‌بستگی^{۱۴} که در دهه ۱۹۷۰ توسط بالبی^{۱۵} مطرح شد به کیفیت پیوندی عاطفی که کودک در زمان ناراحتی با مراقبانش ایجاد می‌کند گفته می‌شود. عدم برقراری یک رابطه دل‌بستگی پایدار در اولین سال زندگی، نتایج غیرقابل جبرانی در سلامت روانی و انطباق‌پذیری کودک خواهد داشت، که ممکن است منجر به ایجاد شکل اسفباری از ناسازگاری با اطرافیان و اطمینان کم به خود و دیگران در هنگام نیاز بشود (وان ایژن دورن^{۱۶} و تاوکیو^{۱۷}، ۱۹۸۷).

^۱ McColgan

^۲ Dempsey

^۳ Davis

^۴ Giardino

^۵ Dutton

^۶ Saunders

^۷ Starzomski

^۸ Bartholomew

^۹ White

^{۱۰} McMullin

^{۱۱} Swartout

^{۱۲} Sechrist

^{۱۳} Gollehon

^{۱۴} Attachment style

^{۱۵} Bowlby

^{۱۶} van IJzendoorn

^{۱۷} Tavecchio

با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته (اشنایدر،^۱ ۲۰۱۴؛ پارک^۲، ۲۰۱۶؛ دوماس^۳، ۲۰۰۸؛ سامر^۴، ۲۰۱۶؛ گرام،^۵ ۲۰۱۶؛ گورملی^۶، ۲۰۰۵؛ ودیگران)، سبک دل‌بستگی همسران نقش مهمی در روابط آسیب‌رسان آنان بازی می‌کند. تئوری دل‌بستگی تفاوت‌های فردی در راهبردهای تنظیم عواطف را توضیح می‌دهد و تنظیم عواطف با خشونت رابطه دارد (آیزنبرگ^۱، ۲۰۰۰) از آنجا که خشونت علیه زنان و مردان تبعات جبران‌ناپذیری بر سلامت روان افراد و به دنبال آن سلامت جامعه دارد، با کسب اطلاعات بیشتر در رابطه با ابعاد دل‌بستگی زوجین و میزان تأثیر تعامل ابعاد گوناگون دل‌بستگی زوجین بر تداوم خشونت می‌توان حمایت‌های پیش‌گیرانه انجام داد.

خشونت، رفتاری است که با هدف ایجاد درد و ناراحتی در دیگران انجام می‌گردد (گلس^۷، ۱۹۹۷). در سال ۱۹۹۵ خشونت خانگی^۸ یکی از بحران‌های دوازده‌گانه کشورهای بی‌انبار شد که نیازمند توجه خاص دولت و جوامع بین‌المللی بوده‌اند (گرام، ۲۰۱۶). خشونت خانگی جزو یکی از مهم‌ترین آسیب‌های خانواده محسوب می‌شود که قدمتی به اندازه تاریخ تشکیل خانواده‌ها دارد (اوشی^۹، کالینز^{۱۰}، ایلیز^۱ ودالی^۲، ۲۰۱۶). در موارد گوناگون دلایل اعمال

^۱ Schneider

^۲ Park

^۳ Doumas

^۴ Summer

^۵ Gormley

^۶ Eisenberg

^۷ Gelles

^۸ Domestic violence

^۹ O'Shea

^{۱۰} Collins

خشونت خانگی کنترل، تسلط و پرخاش‌گری بیان شده است که به شکل‌های خشونت روان‌شناختی، فیزیکی و جنسی نشان داده می‌شوند (ستوده^۳، ۱۹۹۷). در این رابطه خشونت همسران نیز هرگونه رفتار یا عملی محسوب می‌شود که زن یا شوهر با قصد و نیت برای صدمه فیزیکی یا روانی یا پامال کردن حقوق همسر خود به کار می‌گیرد (اشتراوس^۴، ۱۹۹۹).

خشونت همسران معضل اجتماعی مهمی در آمریکا به حساب می‌آید. طبق پژوهش‌های صورت گرفته ۱.۵ میلیون زن و هشتصد هزار مرد در طول زندگی خود خشونت همسران را گزارش دادند (تی جادن^۵ و توونس^۶، ۲۰۰۰).

لازم به ذکر است که تاکنون پژوهش‌های مختلفی در زمینه‌ی سبب‌شناسی و عوامل مؤثر بر خشونت همسران صورت گرفته‌اند (دوماس^۷، ۲۰۰۸، گرام^۸، ۲۰۱۶، پارک^۸، ۲۰۱۶، گورملی^۹، ۲۰۰۵، اشنایدر^{۱۰}، ۲۰۱۴). این پژوهش‌ها نشان داده‌اند که مسأله اساسی در روابط همسران که نوعاً توجهات را به خود جلب نموده است بررسی نحوه کنار آمدن زن و شوهر با یک‌دیگر در موقعیت‌های مختلفی است که قرار دارند می‌باشد. چرا که عدم توانایی هر یک از همسران در مدیریت این موضوع می‌تواند بروز تعارض و نتیجتاً پرخاش‌گری بین همسران را موجب شود

^۱ Ailis

^۲ Daly

^۳ Sotoodeh

^۴ Straus

^۵ Tjaden

^۶ Thoennes

^۷ Doumas

^۸ Park

^۹ Gormley

^{۱۰} Schneider

(اشتراوس، ۲۰۰۷). از طرفی هومن (۱۳۸۷) نیز نشان داد که زمینه‌های خشونت همسران تک‌علی نیستند و به همین دلیل طیف گسترده‌ای از تبیین‌های نظری را در برمی‌گیرند. این گستردگی در بنیان نظری و بالطبع نحوه برخورد با مسأله، و تأثیر آن در روش پژوهش و دستیابی به یافته‌ها، گوناگونی را ایجاد کرده که طیف وسیعی از رویکردها را در تبیین خشونت همسران به وجود آورده است.

پژوهش‌هایی نیز وجود دارند که نشان می‌دهند، به‌احتمال زیاد مردان و زنان هر دو در بروز خشونت تأثیر دارند، به‌عنوان مثال: استتس^۱ و اشتراوس^۲ (۱۹۹۰) مشخص کردند جمع‌آوری پرسش‌نامه هم‌زمان از هر دو زوج و ترکیب گزارش‌های خشونت زن و مرد می‌تواند قابلیت اطمینان داده‌ها را افزایش دهد. درنهایت، داده‌های نظرسنجی مشخص کردند که ۴۹ درصد از شرکت‌کنندگانی که خشونت را گزارش داده‌اند اظهار کرده‌اند که هر دو زوج مرتکب خشونت شده‌اند (استتس، اشتراوس، ۱۹۹۰)، هرچند رابرتز و نولر، (۱۹۹۸) در تحلیل‌های خود رابطه خشونت را با کنترل متغییر خشونت همسر بررسی کردند و دریافتند که همسرکناره‌گیر (اجتنابی) رفتار خشونت‌آمیز را تحریک می‌کند ولی بیان نکرده‌اند که از میان ۱۸۱ شرکت‌کننده تعداد زنان در برابر مردان چند نفر بوده است. از سوی دیگر رابطه بین ابعاد دل‌بستگی و شدت نتیجه که ممکن است از نظر جنسیتی متفاوت باشد، مورد بررسی قرار نگرفته‌اند (گورملی، ۲۰۰۵).

^۱ Stets

^۲ Strause

در پژوهش دیگری که توسط وایت^۱، مک مالین^۲، سوارتوت^۳، سچریست^۴ و گولیهون^۵ در سال (۲۰۰۸) انجام شد، در واکنش به شیوع بالا و پیامدهای ناگوار خشونت همسران به‌عنوان یک مسأله بغرنج، به بررسی و شناسایی عوامل اثرگذار، پیش‌بینی‌کننده و هم‌بسته‌های این پدیده پرداخته‌اند. آن‌ها نشان داده‌اند: مهم‌ترین تئوری‌هایی که روان‌شناسان برای تبیین خشونت خانگی همسران بکار می‌برند که می‌تواند زمینه‌ساز بروز خشونت همسران شود، سبک دل‌بستگی آن‌هاست. در این مورد باید عنوان نمود نظریه دل‌بستگی که در دهه ۱۹۷۰ توسط بالبی^۶ مطرح شد بیان داشت که تحول اجتماعی، عاطفی و شناختی فرد بر اساس مجموعه‌ای از ارتباطات با افراد خاص رخ می‌دهد. وی معتقد بود که کیفیت تعاملات مکرر فرد با مراقبان اولیه، به شکل‌گیری مدل‌های کاری درونی^۷ می‌انجامد. فرض نظریه دل‌بستگی در مورد مدل‌های کاری درونی که در دوران کودکی شکل می‌گیرند، این است که بسیار پایدار و باثبات بوده و به روابط دوران نوجوانی و جوانی کشیده می‌شوند، به‌گونه‌ای که تجارب، ادراک‌ها و رفتارهای فرد را جهت داده و هدایت می‌کنند (مارچاند، ۲۰۰۲).

^۱ White

^۲ McMullin

^۳ Swartout

^۴ Sechrist

^۵ Gollehon

^۶ Bowlby

^۷ Internal working models

در ادامه، با مطرح کردن تئوری دل‌بستگی بزرگسالان که به‌نوعی حالت گسترش‌یافته تئوری دل‌بستگی بالبی (۱۹۶۹) است، هازان^۱ و شاور^۲ (۱۹۹۴) معتقدند که در دل‌بستگی بزرگسالان نیز مانند دل‌بستگی شیرخوار، یک هدف زیست‌شناختی دخیل است. هم‌چنان‌که دل‌بستگی شیرخوار - مراقب برای بقاء امری حیاتی است تا کودک را نزدیک بزرگسال نگه دارد، دل‌بستگی‌های بزرگسال نیز در مسیر تکامل طرح‌ریزی شده‌اند تا همسران به یک‌دیگر علاقه پیدا کرده و در ضمن، با تولیدمثل نسل خود را حفظ کنند. آن‌ها در ادامه بیان کرده‌اند که چگونه روابط دل‌بستگی کودک و مادر منجر به تفاوت‌هایی در ابعاد روان‌شناختی و اجتماعی افراد در روابط عاشقانه بزرگسالی می‌شود و نوع انتظارات آنان را در این رابطه شکل می‌دهد.

از زمان مطرح شدن نظریه دل‌بستگی توسط بالبی و اینسورث (۱۹۷۰)، پژوهش‌گران در پژوهش‌های گوناگونی به دنبال یافتن رابطه ابعاد دل‌بستگی فرد با مورد خشونت قرار گرفتن (قربانی شدن) و هم‌چنین رابطه ابعاد دل‌بستگی فرد با اعمال خشونت توسط وی (پرخاش‌گری) در رابطه با همسر پرداخته‌اند (ولوتی و همکاران، ۲۰۱۸). در ادامه به بعضی از این پژوهش‌ها و نتایج به دست آمده در آن‌ها پرداخته می‌شود:

گروهی از پژوهش‌ها وجود دارند که در آن‌ها پژوهش‌گران نشان دادند با تعیین سبک‌های دل‌بستگی بزرگسالان، می‌توان روابط بین فردی را پیش‌بینی کرد

^۱ Hazan

^۲ Shaver

(پناغی و همکاران، ۱۳۹۱؛ رابرتز^۱ و نولر^۲، ۱۹۹۸؛ لاوزسون^۳ و مالنار^۴، ۲۰۱۱) و در این خصوص از سبک‌های دل‌بستگی ایمن، اضطرابی (دوسوگرا) و اجتنابی، صحبت به میان آوردند که هر کدام از سبک‌های فوق در بحث رابطه پویای زن و شوهر می‌تواند منجر به برقراری روابط مثبت، منفی یا محتاط گونه شود. این موضوع نیز به نوبه خود تبدیل به دلیلی شد که بر اساس آن پژوهش‌گران از سبک‌های دل‌بستگی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین متغیرهایی که نقش مهمی در روابط همسران و عاشقانه ایفا می‌کنند و می‌توانند در بروز آرامش یا بروز هیجان‌ها و آشفتگی‌ها و خشونت‌ها در زندگی افراد نقش ایفا کند یاد کنند (اسکات^۵ و بابکوک^۶، ۲۰۰۹).

گروهی دیگر از پژوهش‌ها نیز در خصوص رابطه دل‌بستگی ناایمن همسران، تفاوت در نوع دل‌بستگی همسران، حسادت، اعتماد به همسر، اضطراب جدایی، وابستگی به همسر، نیاز به تسلط در رابطه، الگوهای ارتباطی و انواع خشونت همسران انجام شده‌اند (باتل^۷، مالدون^۸ و کارنی^۹، ۲۰۰۵؛ باک^{۱۰}، لینارز^{۱۱}، املکامپ^{۱۲} و ون مارلی^۱، ۲۰۱۲؛ باند و باند^۲، ۲۰۰۴؛ داتون و همکاران،

^۱ Roberts

^۲ Noller

^۳ Lawson

^۴ Malnar

^۵ Scott

^۶ Babcock

^۷ Buttell

^۸ Muldoon

^۹ Carney

^{۱۰} Buck

^{۱۱} Leenaars

^{۱۲} Emmelkamp

۱۹۹۴؛ فولینگاستاد^۳ و همکاران، ۲۰۰۲؛ کرامتی و سپهری شاملو، ۱۳۹۵؛ مورسیو^۴ و گورملی، ۲۰۰۱؛ هالتزورث-مونرو^۵، استوارت^۶ و هاجینسون^۷ ۱۹۹۷؛ هندرسون^۸ و همکاران، ۲۰۰۵).

از طرفی پژوهش‌های انجام شدند که در آن‌ها پژوهش‌گران نشان دادند که به‌احتمال زیاد افراد دل‌مشغول از سطح بالای تعارضات نسبت به دیگران نفع بیشتری می‌برند؛ زیرا احتمال این‌که افراد دل‌مشغول پاسخ‌های منفی همسرشان را در شرایط تعارضی به‌عنوان دلیلی در نظر بگیرند که نشان‌دهنده درگیری همسرشان در رابطه با آن‌هاست، تفسیر کنند زیاد است. به‌احتمال زیاد این افراد با همسر خود متحد شده و در یک رابطه خشونت‌گرایانه باقی می‌مانند (پیتروموناکو^۹ و فلدمن بارت^{۱۰} ۱۹۹۷؛ ولوتی^{۱۱}، بئومونته زوبل^{۱۲}، روگیر^{۱۳} و تامبلی^{۱۴}، ۲۰۱۸).

^۱ Van Marle

^۲ Bond & Bond

^۳ Follingstad

^۴ Mauricio

^۵ Holtzworth-Munroe

^۶ Stuart

^۷ Hutchinson

^۸ Henderson

^۹ Pietromonaco

^{۱۰} Feldman Barrett

^{۱۱} Velotti

^{۱۲} Beomonte Zobel

^{۱۳} Rogier

^{۱۴} Tambelli

آلیسون^۱، بارتلومیو^۲، میس لس^۳ و داتون^۴ (۲۰۰۸) نیز در پژوهش خود مطابق با پژوهش‌های قبلی در رابطه با توضیح خشونت همسران از دیدگاه دل‌بستگی، نشان دادند که خشونت اغلب تلاش برای حفظ سطح مطلوب نزدیکی به همسری است که فرد اقدام کننده به خشونت احساس می‌کند قربانی در رابطه درگیر نیست. آن‌ها نشان دادند که افراد دل‌مشغول بیشتر از خشونت به‌عنوان راهی برای دستیابی به نزدیکی بیشتر استفاده می‌کنند، درحالی‌که به‌احتمال زیاد افراد نادیده‌انگار از خشونت به‌عنوان راهی برای ایجاد فاصله در هنگام تلاش برای از جدا کردن خود از درگیری استفاده می‌کنند. در رابطه با پیش‌بینی کننده‌های خشونت همسران و ابعاد دل‌بستگی نیز پژوهش‌گران دل‌بستگی اضطرابی را پیش‌بینی کننده بهتری برای خشونت جسمانی مردان و زنان و دل‌بستگی اجتنابی را پیش‌بینی کننده بهتری برای خشونت روان‌شناختی مردان دانسته و بیان می‌کنند که ترس از جدایی و طرد شدن به‌عنوان ویژگی بارز افراد اضطرابی و تکیه بیش‌ازحد بر خود در زن‌های پراسترس به‌عنوان ویژگی بارز افراد اجتنابی می‌تواند پیش‌بینی کننده و عامل خطری برای خشونت دیدن زنان باشد (اسمیت^۵ و استور^۶، ۲۰۱۶؛ بوناچه^۷،

^۱ Allison

^۲ Bartholomew

^۳ Mayseless

^۴ Dutton

^۵ Smith

^۶ Stover

^۷ Bonache

گونزاله مندز^۱ و کراهه^۲، ۲۰۱۶؛ رابرتز^۳ و نولر^۴، ۱۹۹۸؛ پناگی و همکاران، ۱۳۹۱؛ سندبرگ^۵، والدز^۶، انگل^۷، منقراجانی^۸، ۲۰۱۶؛ ولوتی، ۲۰۱۸).

نکته قابل توجه در پژوهش‌های ذکر شده تا به اینجا این است که در تمامی این پژوهش‌ها برای بررسی رابطه سبک دل‌بستگی و خشونت همسران فقط یکی از زوجین مورد بررسی قرار گرفته است و این پژوهش‌گران به اهمیت بررسی دوجانبه همسران به‌عنوان یک سیستم، به‌منظور درک چگونگی شکل‌گیری رابطه‌ای پویا بر اساس جهت‌گیری‌های دل‌بستگی هر یک از طرفین، در پژوهش‌های بعدی تأکید داشته‌اند.

از سوی دیگر، باید توجه داشت که هرچند برخی الگوهای مشابه میان رابطه دل‌بستگی و خشونت توسط پژوهش‌هایی تأیید شدند اما، برخی یافته‌ها در این خصوص با یک‌دیگر متناقض بودند. برای مثال موریسیو^۹ (۲۰۰۲) به این نتیجه متفاوت با یافته‌های قبلی رسید که دل‌بستگی اضطرابی با خشونت روان‌شناختی همراه است، در حالی که دل‌بستگی اجتنابی و اضطرابی هر دو را

^۱ Gonzalez-Mendez

^۲ Krahé

^۳ Roberts

^۴ Noller

^۵ Sandberg

^۶ Valdez

^۷ Engle

^۸ Menghrajani

^۹ Mauricio

با خشونت فیزیکی مرتبط دانست. به نظر می‌رسد برای مشخص‌تر شدن این ارتباطات به پژوهش‌های بیشتری نیاز داشته باشد (گورملی، ۲۰۰۵).

در برخی پژوهش‌های انجام شده در خصوص ارتباط خشونت همسران و دل‌بستگی بزرگ‌سال عمدتاً بر سبک دل‌بستگی مرد اقدام‌کننده و زن قربانی برای درک بیشتر تأثیر سبک دل‌بستگی بر تعامل پویای زوج تمرکز کرده‌اند (بارتولومئو^۱، ۱۹۹۷)، دلیل این کار می‌تواند وجود برخی کلیشه‌های سنتی در جامعه باشد که مردان را خشن و زورگو و زنان را ضعیف و مفعول در نظر می‌گیرند. باید بدانیم این کلیشه‌ها انتظارات و استانداردهای گوناگونی را در رابطه همسران تعریف می‌کنند که روی کیفیت رابطه اثرگذارند (محمدی، ۱۳۹۶). در یک رابطه زوجی همراه با خشونت احتمال قربانی شدن و مورد خشونت قرار گرفتن، همسران علیه یکدیگر وجود دارد (داتون^۲ و برونینگ^۳، ۱۹۹۸، دالی^۴ و ویلسون^۵، ۱۹۸۸)، درحالی‌که تجربه خشونت در رابطه موضوعی دوجانبه است و لازم است تعامل بین سبک‌های دل‌بستگی بر مورد خشونت قرار گرفتن، و انجام خشونت توسط هریک از همسران سنجیده شود (بارتولومئو، ۱۹۹۷).

به صورت کلی بهتر است در پژوهش‌ها به جای دیدگاه سخت‌گیرانه قربانی-اعمال‌کننده در بررسی خشونت همسران به سمت دیدگاه دینامیکی که

^۱ Bartholomew

^۲ Dutton

^۳ Browning

^۴ Daly

^۵ Wilson

ویژگی‌های هر دو زوج را برای درک سبب شناختی و ماندگاری خشونت همسران در نظر می‌گیرد گام برداشت (بارتلومیو و آلیسون، ۲۰۰۶).

علاوه بر آن، باید در نظر داشت که پژوهش‌هایی که تعامل بین سبک‌های دل‌بستگی زن و شوهر را به‌عنوان پیش‌بینی کننده خشونت همسران مورد بررسی قرار داده‌اند انگشت شمارند (باند و باند ۲۰۰۴؛ بلنجر^۱، ماتیو^۲، دوگال^۳ و کورچسن^۴، ۲۰۱۵؛ دوماس و همکاران، ۲۰۰۸؛ رابرتز^۵ و نولر^۶، ۱۹۹۸؛ سامر^۷ بایکوک^۸ و شارپ^۹، ۲۰۱۷، کسنر^{۱۰} و مک کنری^{۱۱}، ۱۹۹۸؛ گونسی^{۱۲} و وندالمن^{۱۳}، ۲۰۰۱۶). و هم‌چنین باید به این نکته توجه داشت که گرچه این پژوهش‌ها شواهدی مبنی بر رابطه دل‌بستگی همسران و خشونت ارائه کرده‌اند، ولی با محدودیت‌هایی مانند: اندازه کوچک نمونه‌ها، ارزیابی‌های غیراستاندارد از خشونت و دل‌بستگی، و تحلیل‌های غیراستاندارد آماری که قابلیت تعمیم یافته‌ها را کاهش می‌دهد همراه بوده‌اند (دوماس و همکاران، ۲۰۰۸).

^۱ Bélanger

^۲ Mathieu

^۳ Dugal

^۴ Courchesne

^۵ Roberts

^۶ Noller

^۷ Sommer

^۸ Babcock

^۹ Sharp

^{۱۰} Kesner

^{۱۱} McKenry

^{۱۲} Goncy

^{۱۳} van Dulmen

به‌عنوان مثال یکی از این محدودیت‌ها روش سنجش خشونت بوده که به‌جای سنجش تداوم و تکرار خشونت، آن را به متغییر دوگانه انجام یا عدم انجام خشونت تبدیل نمودند و هم‌چنین، افرادی که فقط یک‌بار مورد خشونت قرار گرفته‌اند با افرادی که دائماً در معرض خشونت هستند در یک دسته قرار گرفته‌اند. هرچند، این تقسیم‌بندی غیرمعمول نیست ولی به‌صورت کلی ترجیح بر این است که متغییرهای مستمر را به‌صورت دوگانه تعریف نشوند (ژاکارد^۱، توریسی^۲ ۲۰۰۳). یکی دیگر از محدودیت‌ها نیز استفاده از پرسش‌نامه AAS برای سنجش سبک دل‌بستگی است که برای دستیابی به تشخیص بهتر نیاز به بررسی کلینیکی و مصاحبه نیز دارد. بنابراین بهتر است برای سنجش دل‌بستگی از ابزار معتبرتری استفاده شود (ولوتی و همکاران، ۲۰۱۸).

نکته قابل توجه دیگر این است که در رابطه با تعامل ابعاد دل‌بستگی همسران و انواع خشونت پژوهشی پیدا نشد که گزارش مورد خشونت قرار گرفتن، توسط قربانی (زن یا شوهر) را با گزارش اقدام‌کننده به خشونت از انجام خشونت خود به‌صورت هم‌زمان بررسی و مقایسه نموده (ولوتی و همکاران، ۲۰۱۸) و هم‌چنین اثر تعامل ابعاد دل‌بستگی همسران را نیز از نظر هر دو درک خشونت^۳ قربانی و انجام خشونت اعمال‌کننده سنجیده باشد. نظر به این‌که نمی‌توان از نقش دوجانبه هریک از همسران در رابطه خشونت‌آمیز صرف‌نظر کرد، و با توجه به این‌که تمرکز اصلی بیشتر پژوهش‌های خشونت همسران و

^۱ Jaccard

^۲ Turrisi

^۳ Recived the violence

دل‌بستگی که تابعه‌حال انجام‌شده‌اند بر هر یک از همسران - مخصوصاً زنان قربانی- و نه زوج و تعامل ابعاد دل‌بستگی همسران، بوده است و همان‌گونه که قبلاً اشاره شد به بحث مربوط به مردان قربانی به دلایل فرهنگی و اجتماعی کم‌تر پرداخته شده، برای رسیدن به درکی درست از رابطه خشونت‌آمیز باید خصوصیات زنان و شوهران را در تعامل با یکدیگر بررسی کرد. در حقیقت بررسی ابعاد دل‌بستگی همسران با یکدیگر و تعیین شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در رابطه می‌تواند به درک بیشتری از رابطه خشونت‌آمیز کمک کند. زیرا بررسی ابعاد دل‌بستگی زن یا شوهر به‌تنهایی اثر تعاملی این ابعاد را نشان نمی‌دهد.

بررسی پدیده خشونت همسران از جمله مسائل مهم و با اهمیت است که ضرورت پرداختن و بررسی جوانب آن نقش مهمی در سلامت یک جامعه دارد. آمار و ارقام منتشره در سطح دنیا حکایت از این دارد که خشونت همسران یک مسأله شناخته شده در تمام کشورها و فرهنگ‌هاست (چن^۱، رووی^۲، وگا^۳، جاکوبز^۴ و جانسون^۵، ۲۰۰۵). ریچاردسون^۶، کوید^۷، پتروکوویچ^۸ چانگ^۹، موری^{۱۰} و

^۱ Chen

^۲ Rovi

^۳ Vega

^۴ Jacobs

^۵ Jacobs

^۶ Richardson

^۷ Coid

^۸ Petruckevitch

^۹ Chung,

^{۱۰} Moorey